



## معماری بومی منطقه کجور (نمونه موردی: روستای لاشک)

محمدصفری کمال الدین پشته<sup>1\*</sup>، نرگس دهقان<sup>2</sup>

1- دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بندرعباس، بندرعباس، ایران، Safari0223@gmail.com

2- گروه معماری، دانشکده هنر، معماری و شهرسازی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، اصفهان،

ایران، dehghan@par.iaun.ac.ir

### چکیده:

منطقه شمال ایران، همواره منطقه ای با آب و هوای معتدل و مرطوب شناخته شده است، اما مسئله مهم وجود برخی نقاط در این خطه با آب و هوای متفاوت است. از آنجا که اقلیم در روند شکل گیری فرهنگ و معماری تاثیر مستقیمی دارد، لذا وجود آب و هوای سرد و کوهستانی در منطقه کجور و روستای لاشک سبب شکل گیری معماری متفاوت با سایر نقاط شمال کشور با آب و هوای معتدل و مرطوب شده است لذا این مقاله سعی در تحلیل معماری بومی روستای لاشک و گونه شناسی بناهای این روستا، با مراجعه مستقیم به محل و مصاحبه با افراد دستیابی به روند ساخت و شکلگیری معماری را دارد. اطلاعات وارد شده در مقاله حاضر از مشارکت مستقیم اهالی با اصطلاح های محلی منطقه واز ابتدا تا انتهای شکلگیری معماری روستای لاشک، میباشد. در پایان با توجه به وجود برخی بناهای نوساخت در منطقه به بیان مقایسه ای از بناهای سنتی و نوساخت منطقه پرداخته شده است.

واژه های کلیدی: فرهنگ و معماری، منطقه کجور، گونه شناسی، روستای لاشک، معماری بومی.

## مقدمه:

روند شکل گیری روستاهای شمال کشور ایران به صورتی الهام گرفته از طبیعت و الگو گرفته از جغرافیای محل بوده است. افراد ساکن در روستاهای ایران همواره در راستای پاسخگویی به نیازهای اقلیمی در ساخت مسکن خود از نمادهای سنتی و بومی محل استفاده کرده اند. علاوه بر نمادهای سنتی و محلی در ساخت بناها، مسکن نشان گر نوع فعالیت اقتصادی منازل نیز میباشد (خاکپور، 1384). بناهای شمال کشور و منطقه مازندران به دلیل شکل زیبا و مصالح بوم آورد این منطقه که به دلیل وجود جنگل ها معمولا از چوب است (کسمایی، 1378)، توجه افراد را در رابطه با نگارش مقاله های گوناگون از نقاط متفاوتی از این منطقه را به خود جلب نموده است. اما در رابطه با روستای لاشک در دهستان کجور که در شهرستان نوشهر واقع شده است، با توجه به شرایط آب و هوایی متفاوت و معماری متفاوت منطقه، تنها پژوهش صورت گرفته نگارش کتاب کجور مازندران، لاشک، نوشته احمدی لاشکی است. هدف از نگارش مقاله حاضر، شناسایی گونه های متفاوت بنا در روستای لاشک و نحوه ساخت بناهای این روستا و تکنیک های سنتی ساخت از زبان افراد محلی و مقایسه آن با بناهایی با مصالح جدید است که برای استفاده در این روستا مناسب شناخته شده است.

## مطالعات عمومی روستای لاشک:

روستای لاشک در 65 کیلومتری شهرستان نوشهر با مختصات طول جغرافیایی 51.30 درجه شمالی و 36.39 درجه شرقی و ارتفاع از سطح دریا 2.9-، در حاشیه سلسله جبال البرز است (سایت آب و هوا شناسی مازندران). وجه تسمیه روستای لاشک مربوط به دشت وسیعی به وسعت 1750 هکتار بوده که روستای لاشک همانطور که در تصویر (1) مشاهده میشود در کنار آن قرار گرفته است، به همین دلیل است که این روستا را لاشک خمن میخوانند.



شکل 1- موقعیت روستای لاشک در دشت وسیع کنار آن (منبع: نگارنده، پاییز 1394)

موقعیت این روستا به گونه ای است که از شمال به دشت های وسیع روستاهای کشکک و اوپل متصل میشود، جنگل های سبز روستای لاشک و شاه کوه که به عنوان بلندترین کوه منطقه شناخته میشود در جنوب آن قرار گرفته اند، همچنین در شرق و شمال شرقی این روستا، روستاهای کجور و چنارین و در غرب این منطقه دشت ها و کشتزارهای منطقه کهنک و آروش قرار دارند. مسیر منتهی به روستای لاشک که جاده چالوس- لاشک با 65 کیلومتر مسافت است، مسیر زیبایی را

برای رسیدن به روستای لاشک با نمایش کمرکش کوه ها و کناره رودخانه ها برای مسافرین روستای لاشک فراهم میکند. دشت وسیعی که بعد از گذر از آخرین گردنه به نام بشم، نوید رسیدن به روستایی که در دل خود قرارداد را به بیننده میدهد و با رسیدن به این دشت بیننده خود را در فاصله ای اندک از روستای لاشک میابد که برای دسترسی بدان باید به بطن دشت وارد شود. همانطور که در ساخت و قرارگیری همه روستاهای منطقه شمال کشور، آداب و رسوم و فرهنگ و شرایط منطقه دخیل هستند و هر روستا برای خود آداب و رسوم خاصی دارد، روستای لاشک نیز دارای چنین آداب و رسوم و شرایطی است که در شکل گیری روستا دخیل میباشند که این موارد در ادامه شرح داده خواهد شد.

## شکل گیری بناهای روستا:

اولین موردی که در هنگام ورود به روستا به ذهن خطور میکند تراکم قابل توجه بناهای روستا است چرا که همواره در اغلب روستاهای منطقه شمال کشور به دلیل آب و هوای معتدل منطقه و البته نیاز به کوران، خانه ها با فاصله بسیار از هم ساخته میشوند، اما این مورد در روستای لاشک همانطور که در شکل (2) نشان داده شده است با اهمیت کمتری دیده میشوند به گونه ای که بناها با فاصله ای نزدیک به هم و گاه چسبیده به هم ساخته شده اند. دلیل این مورد را میتوان در شرایط آب و هوایی منطقه جستجو کرد. منطقه روستای لاشک دارای آب و هوای سرد است و به همین دلیل این منطقه به عنوان منطقه ای بیلاقی شناخته میشود. بنا به اظهار ساکنان منطقه، در هنگام زمستان افراد به شهر یا مناطق گرمسیر کوچ کرده و تنها در این منطقه تعداد هفت خانوار باقی میمانند، قابل ذکر است که دلیل اقامت زمستانی هفت خانوار ذکر شده در روستای لاشک، اقتصاد خانوار است که وابسته به دام بوده و مسئله کوچ زمستانی را برای آنها سخت میکند.



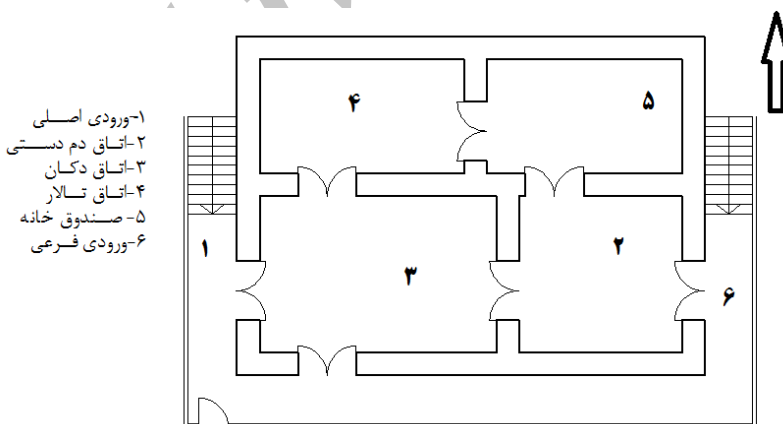
شکل 2- تراکم قابل توجه بناهای روستای لاشک (منبع: نگارنده، پاییز 1394)

توجه به مسئله سرما را میتوان در ایوان های بناها نیز مشاهده نمود، ایوان ها به گونه ای شکل گرفته اند که علاوه بر پاسخگویی به شرایط اقلیمی مرطوب منطقه و فراهم آوری کوران در فصل تابستان، بتوانند مسئله سرما را نیز در نحوه ساخت خود حل نمایند، بدین صورت همانطور که در شکل (3) قابل مشاهده است، ایوان های ساخته شده در این روستا از چهار طرف باز نیست، بلکه این ایوان ها به عنوان سکویی در مقابل ورودی قراردارند که هم میتوان در فصل تابستان از آن استفاده کرد و هم مطابق شکل (3) در فصل زمستان با قرارگیری در و دیوارهای چوبی در مقابل آن میتوان تا حدودی از ورود سرما به بنا جلوگیری کرد.



شکل 3- ساخت ایوان های روستای لاشک به عنوان پیش ورودی بنا و قرار دادن دیوار چوبی به منظور عملکرد مناسب در تابستان و زمستان (منبع: نگارنده، پاییز 1394)

با توجه به اینکه در این روستا لوله های گاز شهری تعبیه نشده اند و اهالی برای تامین نیاز سوخت خود هنوز هم از نفت و سوخت های فسیلی و چوب استفاده میکنند، معماری بناها به صورت دست نخورده و ابتدایی باقی مانده است که همین امر میتواند به عنوان میراثی گرانقدر در نظر گرفته شود. معماری روستای لاشک که معماران و بناهای آن اهالی خود روستا یا روستاهای اطراف هستند، رنگ و بوی معماری قدیمی و روستایی خود را حفظ نموده است، همانطور که در شکل (4) دیده میشود، سلسله مراتب ورود به بنا و فضاهای به کار برده شده در بنا، عملکرد و شکل اصلی و حتی عناوین خود، در طول گذر زمان از گذشته تا به امروز را حفظ نموده اند. در این بنا ها، فضاها به اتاق های دم دستی، اتاق دکان، صندوق خانه، تالار و سه دری تقسیم میشوند که در ادامه به شرح آنها پرداخته میشود.



شکل 4- نمونه ای از خانه های روستای لاشک، طبقه اول (فضای خانه) (منبع: نگارنده، پاییز 1394)

اتاق دم دستی همانطور که از نام آن برمی آید، اتاقی است که در آن بیشترین فعالیت های روزمره اتفاق می افتد، این اتاق را میتوان فضای تقسیم، نشیمن خانواده، محلی برای انجام کارهای روزمره خانم خانه و پیش ورودی خانواده دانست، این اتاق در نزدیکی اتاق دکان و صندوق خانه (آشپزخانه) قرار دارد چرا که بیش از فضاهای دیگر منزل، اتاق دم دستی با این فضاها در تعامل است.

اتاق دم دستی در قسمت شرق بنا قرار گرفته است، به گونه ای که در هنگام طلوع آفتاب این مکان به عنوان پرکاربردترین مکان خانه در اول روز با نور مشرق روشن شده و نوید روز را میدهد. در قسمت اتاق دم دستی، ورودی مجزا پیش بینی شده است که به عنوان ورودی فرعی بنا شناخته میشود، قرارگیری ورودی مجزا برای این مکان، عبور و مرور زیاد اهالی منزل به این فضا را سهل مینمایند.

اتاق روبه روی اتاق دم دستی به نام اتاق دکان شناخته میشود. به گفته اهالی منطقه، نام گذاری اتاق دکان برای فضای مذکور، به دلیل کاربری گذشته چنین اتاق هایی بوده است که به دلیل موقعیت خاص خود، گاهی به عنوان مغازه مورد استفاده قرار میگرفته است.

صندوق خانه، اتاقی است که هم در گذشته و هم در حال حاضر از آن به عنوان آشپزخانه استفاده میشود. این اتاق در مجاورت دو اتاق اصلی خانه یعنی اتاق دم دستی و اتاق تالار به منظور سرویس دهی راحت تر قرار داده شده است. وجود درها و ورودی هایی مجزا از اتاق دم دستی و اتاق تالار به این فضا، امکان خصوصی سازی و انجام بهتر عمل طبخ را برای میزبان فراهم می آورد. این اتاق با توجه به عملکرد خود در قسمت شمال قرار داده شده است تا بتواند در بهترین جبهه نورگیری نماید.

فضای دیگر این خانه ها اتاق تالار است که به اتاق سه دری هم در این منطقه شناخته میشود، در واقع اتاق مهمان و خاص ترین اتاق در این منطقه است. اتاق تالار در مجاورت اتاق دکان به منظور دسترسی آسان تر به آن و در کنار صندوق خانه به منظور سرویس گرفتن راحت تر هنگام مراجعه میهمان قرار داده شده است. در این منطقه نام اتاق تالار بر اتاق مهمان نشان از منزلت اتاق و مهمان نوازی آنها دارد. این منازل، بنا به اقلیم خاص خود بر روی کرسی هایی قرار میگیرند اما بعضا خانه های این مناطق به دو طبقه تقسیم میشوند بدین صورت که طبقه همکف این منازل، فضاهایی مانند فضای نگه داری دام و یا فضای انبار را به وجود می آورد و طبقه اول نیز به فضای سکونت افراد اختصاص میابد، دسترسی به این طبقه همانطور که در شکل (5) مشاهده میشود از طریق پلکان های آزادی در حیاط صورت میگیرد.



شکل 5- پله های آزاد قرار گرفته برای دسترسی به طبقه اول در خانه های روستای لاشک (منبع: نگارنده، پاییز 1394)

## مصالح در بناهای روستایی لاشک:

اقلیم روستای لاشک سرد و کوهستانی است. موقعیت قرار گیری این روستا در شش هزار گرید باختر کجور میباشد. در قسمت جنوبی روستای لاشک و دامنه های اطراف این روستا، جنگل های انبوه و پوشیده از درختانی مانند: بلوط، راش، ممرز، ون و درختچه های خاردار وجود دارد، همچنین در قسمت شمال و شمال غربی و شرقی این منطقه پوشیده از کوهستان ها است، در این قسمت گیاهان کوتاه خاردار و گیاهان علوفه ای یافت میشود (احمدی لاشکی، 1373).

به دلیل اقلیم منطقه و وجود آب و هوای سرد و کوهستانی، همانطور که در شکل (4) نشان داده شده است، دیوارهای ساخته شده منازل بسیار قطور میباشد، به گونه ای که ضخامت این دیوارها به 70 سانتی متر میرسد، به علاوه در این منطقه، به علت پاسخگویی به شرایط اقلیمی منطقه که دارای دمای 21 درجه زیر صفر در زمستان و 28 درجه بالای صفر در تابستان میباشد، از مصالحی با مقاومت حرارتی بالا استفاده میشود (شمس، خداکرمی، 1389)، که البته این مصالح بوم آورد بوده و از جنگل ها و کوهستان اطراف به دست می آیند. اقلیم و آب و هوا و نوع پاسخگویی به شرایط، عامل اساسی در شکل گیری فرهنگ هر مرز و بوم است چرا که نوع پاسخگویی به اقلیم و شرایط خاص آب و هوایی در نوع رفتارها، نوع مسکن و نحوه زندگی که از عوامل تشکیل دهنده فرهنگ هستند، تاثیر گذار است (پورلمر، سعید حسن، 1392).

در این روستا یکی از مشخصه های نشان از توانایی مالی صاحب خانه، فرم و نوع مصالح به کار رفته در ساخت و البته میزان قدیمی یا جدید بودن خانه است چرا که در روستای مذکور، انواع خانه های کوچک و بزرگ و با شکل های متنوع قدیمی یا جدید قابل رویت است. نوع مصالح بکار رفته در بنا نیز از وضعیت مالی صاحب خانه خبر میدهد، در روستای لاشک از اوضاع ظاهری خانه ها علاوه بر دستیابی اطلاعاتی در مورد وضع مالی صاحبخانه، میتوان از درجه اجتماعی و یا حتی اعتقادات مذهبی صاحب خانه نیز اطلاعاتی کسب نمود.

اعتقادات مذهبی در روستای لاشک از توجهی خاصی برخوردار است به گونه ای که این تاثیر را در جهت گیری اکثر منازل میتوان دید، چرا که جهت گیری اکثر منازل در روستا روبه جنوب غربی یعنی رو به قبله اتخاذ شده است، قابل ذکر است که جهت گیری در این سمت باعث نورگیری بیشتر بنا و دریافت بیشتر نور خورشید میشود که با توجه به اقلیم منطقه راه حل مناسبی برای دریافت گرمای بیشتر است.

خانه های ساخته شده در این اقلیم به سه دسته کاهگلی، سنگی و چوبی تقسیم میشوند. برای ساخت بنا، معمار روستا و یا معماری از روستای دیگر به ساخت همت میگمارد و در کنار معمار اهالی منزل و یا اقوام بدون چشم داشت مزد به همکاری با معمار و ساخت مصالحی مانند: خشت و کاه گل میپردازند. خانه های کاه گلی را بر روی سکویی از سنگ و ملات گل میسازند، این منازل پی کنی نداشته و بر روی سطح معمولی زمین همانطور که در شکل (6) نشان داده شده است، ساخته میشوند. روش ساخت و همکاری را میتوان بدین صورت شرح داد که در هنگام ساخت خانه های گلی، افراد به جمع آوری خاک رس از مناطق اطراف و از دشت میپردازند و افرادی که در کنار معمار به ساخت بنا مشغول هستند، گل را با مالیدن پا به اصطلاح به عمل می آورند. بعد از مرحله عمل آوری گل رس و اضافه نمودن کاه به آن به که به منظور جلوگیری از ترک برداشتن گل انجام میپذیرد، اشخاص در صف قرار گرفته و خشت های گلی ساخته شده را به دست معمار میرسانند و بدین گونه یک همکاری کامل در بین اهالی رخ میدهد.





شکل 6- ساخت بنای کاهگلی بر روی بستری از سنگ و گل، روستای لاشک (منبع: نگارنده، پاییز 1394)

شکل (7) نمونه ای از یک خانه سنگی در روستای لاشک را نمایش میدهد. برای ساخت خانه های سنگی که یکی از روش های مناسب این اقلیم میباشد، به مانند خانه های کاه گلی، پی کنده نشده، بلکه سنگ چینی از روی زمین شروع میشود. سنگ هایی که به منظور ساخت بنا استفاده شده، از کوهستان اطراف روستا جمع آوری میشوند. اهالی روستا این سنگ ها را توسط چهارپایانی مانند: الاغ و قاطر به وسیله ای تخته ای دو طرفه از چوب بلوط به نام خرگیل به محل ساخت حمل میکنند. در ساخت بناهای سنگی نیز، گل رس به عنوان ملات به کار میرود، بدین گونه که در هنگام سنگ چینی، ملات عمل آمده به شکل دایره هایی دست به دست به سمت معمار برای استفاده ملات بر روی سنگ به منظور چسبندگی فرستاده میشود. ملات گرد شده در زبان محلی، گلنگ نام دارد. گلنگ در بنا به دلیل افزایش استحکام، کارایی دارد چرا که این ملات با خاصیت ارتجاعی خود، از فرو ریختن سنگ ها در هنگام فشار و یا لرزش های زلزله جلوگیری کرده و حالتی ارتجاعی به کل بنا خواهد داد. قابل ذکر است، در بناهای سنگی به منظور استفاده از خاصیت ارتجاعی چوب و بالا بردن مقاومت ارتجاعی ساختمان، همانطور که در تصویر (7) نشان داده شده است، در داخل سنگ های چیده شده از تیرهای چوبی استفاده میشده است.



شکل 7- نمونه ای از یک خانه سنگی قدیمی در روستای لاشک (منبع: نگارنده، پاییز 1394)

در ساخت خانه های چوبی نیز، به مانند: دو نوع دیگر از خانه ها، ساخت بنا از سطح زمین شروع میشود، در این بنا ها نیز نیاز به بستری از سنگ و ملات گل وجود دارد. تامین مصالح چوب از جنگل های اطراف منطقه صورت میگیرد. به گفته اهالی چوب بلوط به دلیل مقاومت زیاد در ساخت بناها بیشترین استفاده را دارد. همچنین اهالی اظهار مینمایند که در بین سه نوع ساختمان یاد شده، ساختمان های چوبی که به زبان محلی کله چو نامیده میشوند، هم از نظر مقاومت و هم از نظر گرم شدن و ارتباط برقرار کردن با روح آنها، نسبت به دو مورد دیگر ارجحیت دارد.

استفاده از چوب در بنا تنها محدود به ساخت اسکلت در ساختمان های چوبی نمیشود، بلکه همانطور که سنگ برای کرسی چینی هر سه نوع ساختمان به کار گرفته میشود، چوب نیز برای مصارف گوناگون و نیازهای هر سه نوع بنا به کار میرود به گونه ای که کاربرد چوب بلوط را برای مصارف گوناگون در همه بناها میتوان دید. از جمله این مصارف همانطور که در شکل (8) نشان داده شده است، محصور نمودن ایوان ها با تخته هایی از چوب بلوط است که به نام محلی منجره خوانده میشوند و یا ساخت در و پنجره هایی مطابق شکل (8) با اشکال محلی و ساده و زیبا، و ساخت تخته هایی تزئینی برای سقف مانند شکل (8)، هستند. شکل (9) نمونه از چیدمان چوب ها بر روی یکدیگر به منظور ساخت بناهای چوبی را نشان میدهد که به روش دارورچین معرف است.



شکل 8- نمونه ای از کاربرد چوب در ساخت تزئینات و در پنجره و محصور ساختن ایوان در روستای لاشک (منبع: نگارنده، پاییز 1394)





شکل 9- طریقه قرار گیری چوب ها در ساخت در بناهای روستای لاشک (منبع: نگارنده، پاییز 1394)

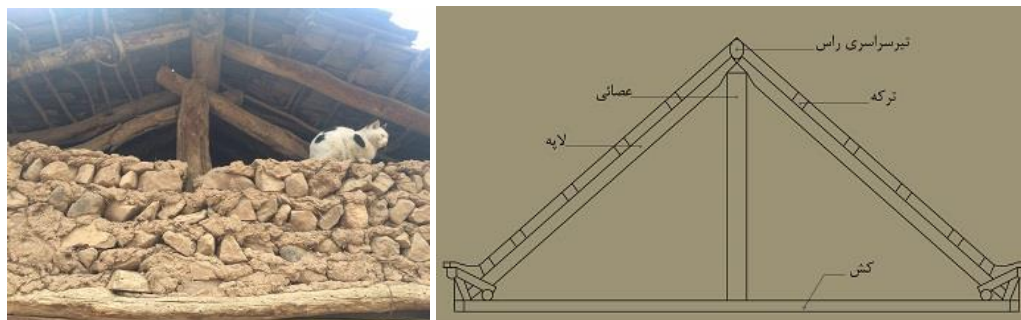
### مصالح به کار گرفته شده در سقف:

مصالح به کار گرفته شده در سقف در هر سه نوع بناهای ذکر شده، چوب بلوط است. سهولت و سبکی چوب و امکان ساخت سقف شیروانی با این مصالح سبب محبوبیت و عمومیت استفاده از این نوع مصالح برای سقف شده است. همانطور که در شکل (10) نشان داده شده است، برای ساخت سقف، ابتدا اسکلت آن با استفاده از تیرهای چوبی ساخته میشود.



شکل 10- اسکلت سقف در خانه های روستای لاشک (منبع: نگارنده، پاییز 1394)

ساخت اسکلت و شکل خاص آن که مثلثی است، به منظور فراهم آوری بستری برای قرارگیری سقف شیروانی بر روی آن است. در ساخت این زیر سازی برای ساخت اسکلت اصلی شیروانی از تیرهای اصلی مطابق شکل (11) استفاده شده است. تیرهای اصلی به گونه ای قرار میگیرند که یک مثلث از طرز قرارگیری آنها حاصل شود، در ادامه به منظور پایداری مثلث ذکر شده، عصبی در زیر تیرها به گونه ای عمود قرار میگیرد، بعد از ساخت اسکلت اصلی تیرهای فرعی بر روی تیر سراسری راس طوری قرار میگیرند که امکان پوشش سقف فراهم شود (فرشچی، 1388).



شکل 11- نحوه ساخت زیر سازی شیروانی در روستای لاشک (منبع: سازمان میراث فرهنگی و نگارنده، پاییز 1394)  
سقف های منطقه روستای لاشک، به دلیل شرایط اقلیمی خاص و وزش باد در چهار جهت، به صورت چهار وجهی مطابق شکل (12) ساخته میشوند.



شکل 12- سقف شیبدار چهار طرفه در روستای لاشک (منبع: نگارنده، پاییز 1394)

همانطور که در تصویر (13) نشان داده شده است، سقف در داخل بنا، مسطح است و فضای بین شیروانی و سقف مسطح خالی میماند، که این امر را میتوان تدبیری برای ایجاد عایق جهت جلوگیری از ورود سرما دانست. برای پوشاندن شاخه ها و تیرهایی که در ساخت سقف استفاده میشود، در داخل بنا، سقف با تخته هایی از چوب که به شکل منظم بریده شده اند و تیرهایی جهت تحمل این تخته ها مطابق شکل (13) پوشانده میشود، گاه در این پوشش، تزئینات و خراطی هایی صورت میگیرد.



شکل 13- نحوه قرارگیری سقف شیروانی بر روی سقف صاف زیرین و پوشش سقف از داخل بنا در روستای لاشک (منبع: نگارنده، پاییز 1394)

بعد از قرارگیری اسکلت اصلی سقف شیروانی بر روی تیرهای سقف تخت داخل بنا، روستائیان اقدام به پوشش سقف شیروانی با لته های چوب مینمایند، این لته ها که از درختان چوب به دست آمده و با عرض و طول کم بریده میشوند، بدین صورت بر روی سقف قرار میگیرند مطابق شکل (14) که چیدمان از پایین سقف در جهت بالا انجام میشود، این چیدمان به منظور راحتی دفع آب باران و برف است به گونه ای که اجازه ماندن برف و یا جمع شدن آب بر روی سقف را نمیدهد.



شکل 14- طریقه پوشش سقف با لته های چوب در خانه های روستای لاشک (منبع: نگارنده، پاییز 1394)

همانطور که در شکل (15) نشان داده شده است، برای حرکت نکردن لته های چوب، اهالی بر روی سقف سنگ ها و چوب های گرده کوچکی را منظم بر روی لبه سقف قرار میدهند.

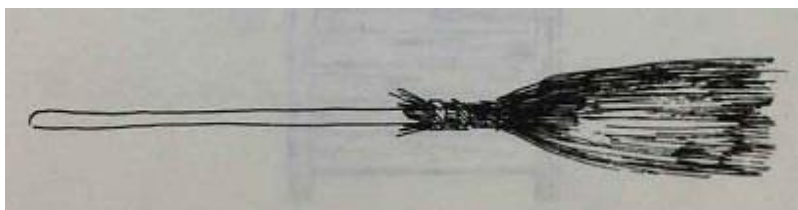


شکل 15- قرارگیری سنگ ها بر روی لبه های سقف (منبع: نگارنده، پاییز 1394)

## پوشش دیوارهای بنا

بناهای ساخته شده در روستای لاشک، در هر سه نوع منازل از پوششی سفید رنگ و زیبا که در تناسب کامل با درو پنجره چوبی و سقف چوبی شیروانی است برای پوشش نهایی دیوارها استفاده شده است. این پوشش سفید رنگ که از مخلوط آب و کمی پهن چهارپایان و گل مخصوص که به گلچال معروف است به دست می آید، توسط ابزار ابتدایی برای صاف کردن ملات بر دیوار مانند: ماله یا دست به دیوارهای بنا مالیده میشوند. وظیفه تهیه این گلچال که در زبان محلی به معنای محلی است که میتوان در آن گل سفید و مخصوص برای سفید کردن دیوارها را به دست آورد، بر عهده زنان است، همچنین

وظیفه ترمیم سالیانه آن با جارو مطابق شکل (16) را نیز زنان بر عهده دارند، چرا که در صورت ترمیم نشدن پوشش، پوشش ذکر شده مطابق شکل (17) به دلیل ساخته شدن از گل ترک برداشته و ظاهر بنا را بد میکند.



شکل 16- جارو مخصوص برای پاشیدن پوشش سفید بر روی دیوارهای خانه های روستای لاشک (منبع: کتاب، پاییز 1394)



شکل 17 - ترک برداشتن پوشش دیوار به دلیل ترمیم نشدن سالیانه، روستای لاشک (منبع: نگارنده، پاییز 1394)

### تزئینات و الحاقات در فضای داخلی خانه های روستا

فضای داخلی بناهای روستایی لاشک ساده و بی آرایش است، در این بناها اصل پرهیز از بیهودگی قابل درک و مشاهده است، به گونه ای که اوج تزئینات در بناهای روستای لاشک را، خراطی های چوبی در اطراف گنجه های اتاق و یا طاقچه های اتاق میتوان دید. لوازم داخلی خانه ها همانطور که در شکل (18) دیده میشود، از تعدادی پشتی، پرده های رنگی، شومینه های دست ساخت که به آنها در زبان محلی کله بخوری میگویند تشکیل شده است.





شکل 18- نمایش طاقچه ها و لوازم داخلی مانند کله بخوری در بناهای روستای لاشک (منبع: نگارنده، پاییز 1394)  
ساخت بناها با مصالح جدید در روستای لاشک

در سال های اخیر در روستای لاشک، بناهایی با مصالح جدید مانند: بلوک و آجر و شیروانی های این بناها نیز با استفاده از مصالح فلزی سبک ساخته شده اند. مصالح جدید به کار رفته در بناها با توجه به مناسب نبودن برای اقلیم مورد نظر از استقبال خوبی در اهالی روستا برخوردار نشده است، چرا که به گفته خود اهالی روستای لاشک، بناهای ساخته شده از مصالح جدید، توانایی فراهم آوری شرایط لازم مانند: نگه داشتن گرما و پاسخ به اقلیم سرد را ندارند، همچنین این مصالح، ظاهر زیبا و با هارمونی با طبیعت را خدشه دار نموده است. به گفته احمدی لاشکی (1373)، مقاومت سقف های چوبی در منطقه نیز با توجه به مشاهدات، از سقف های فلزی به کار رفته در بناهای جدید بیشتر است به نحوی که در زلزله سال 1365 در زلزله لاشک، سقف مدرسه ابتدایی که از فلز بوده است، از جا کنده شد، در حالی که سقف های چوبی منطقه پایدار بر سر جای خود قرار داشتند.

اقدام زیبایی که اهالی روستا در پاسخگویی به کاربرد مصالح جدید برای ساخت بناهایی مانند: مسجد روستا نموده اند، استفاده از سنگ های منطقه برای فرش نمودن اطراف مسجد است. همانطور که در شکل (19) مشاهده میشود، این اقدام سبب برقراری ارتباط بیننده با بنای مورد نظر شده است به گونه ای که تا حدودی هارمونی مقتضای روستا را با طبیعت فراهم مینماید.



شکل 19- مصالح جدید در ساخت مسجد و سنگ فرش هایی از سنگ منطقه روستای لاشک (منبع: نگارنده، پاییز 1394)

### تدابیر سازه ای در ساخت بناهای روستای لاشک

در روستای لاشک نیز مانند: سایر نقاط روستایی به علت اینکه خود اهالی محلی اقدام به ساخت بناهای خود مینمایند، لذا تدابیر سازه ای خاصی نیز برای آنها در نظر میگیرند. به عنوان مثال: همانطور که در شکل (20) نشان داده شده است، در ساخت بناها در هنگام قراردادن تیرهای اصلی در سقف، میزانی از تیرها بیرون قرار میگیرفته است، این امر مقاومت ساختمان را افزایش میدهد.



در شکل (20) مشاهده میشود که در زیر سقف شیروانی، از چوب های عمودی در فضا استفاده شده است، همانطور که در شکل (11) اشاره شده، این چوب به عصایی معروف است و وظیفه تحمل بار سقف را برعهده دارد.



شکل 20- تیرهای سازه ای بیرون زده شده و تحمل وزن سقف به وسیله عصایی، روستای لاشک در بناهای روستای لاشک (منبع: نگارنده، پاییز 1394)

## نتیجه گیری:

آب و هوای منطقه و منابع در دسترس روستای لاشک سبب شده است که در پی یافتن شرایط آسایش در زیستگاه از مصالح مناسب اقلیم و البته بوم آورد استفاده شود. این مصالح به دلیل شرایط آب و هوایی متفاوت روستای لاشک با آب و هوای مرطوب و معتدل مناطق شمال، با دیگر مصالح شناخته شده در شمال کشور متفاوت است همانطور که در جدول (1) بدان ها اشاره شده، به عنوان مثال در این منطقه به علت آب و هوای سرد کوهستانی، خلاف مناطق دیگر شمالی، ساختمانها با تراکم بالا نسبت به هم قرار داده شده اند که بتوانند جوابگوی سرمای منطقه و برقراری آسایش سکونت در بناها باشند، و همین امر سبب تفاوت ظاهر روستای لاشک با دیگر مناطق مازندران شده است. مواردی از قبیل: استفاده از سنگ و کاهگل و چوب برای ساخت بنا، ظاهر زیبای بناها با پرداخت های سنتی، ایوان های مناسب محل، سقف های شیروانی و کوچ فصلی مردمان این منطقه، نشان از هماهنگی روستای لاشک با طبیعت و شکل گیری فرهنگ دوستدار طبیعت و خاص خود میباشد که با آگاهی کامل مردم از محل سکونت خود شکل گرفته است. تزیینات به کار رفته در بنا، ساخت شومینه های دستی، حصارهای چوبی ایوان، ساخت بناها به دست خود اهالی روستا، خراطی های صورت گرفته برای بیرون و داخل بنا، استفاده از سازه های دست ساز همه نشان از خودکفایی و درک طبیعت زیبای روستا توسط ساکنین این روستاست که تحسین هر بیننده ای را برمی انگیزاند. در مقابل این بناها و مصالح بومی، مصالح جدیدی مانند: بلوک ها قرار میگیرند که به دلیل هماهنگ نبودن با اقلیم، سبب نارضایتی افراد ساکن در بناهای مذکور شده اند. علاوه بر این، نارضایتی اهالی روستا از ظاهر نامتناسب بناهای ذکر شده با کل روستا نشان از تمایل افراد محلی در حفظ فرهنگ و معماری سنتی روستا و برقراری ارتباط اهالی با این فرهنگ و سبک زندگیست که البته در حفظ آن نیز کوشا هستند.

جدول 1- نتیجه گیری کلی از شرایط معماری روستای لاشک (منبع: نگارنده، پاییز 1394)

مصلح به کار رفته در روستا	سازه	کالبد بنا	رنگ مصلح	قرارگیری ساختمانها نسبت به هم
سنگ	سنگ و چوب	سنگی	روشن	با تراکم بالا
کاه گل	سنگ و چوب	کاهگلی	روشن	با تراکم بالا
چوب	چوب	چوبی	روشن	با تراکم بالا

منابع:

خاکپور، م. مسکن بومی در جوامع روستایی گیلان، نشریه هنرهای زیبا، شماره 22، صفحات 63-1384، 72.

کسمایی، م. اقلیم و معماری، نشر تهران، 1378.

احمدی لاشکی، قاسم. کجورمازندران، لاشک (نمونه ای از تحول در روستاهای ایران). ناشر: مولف. 1373.

پورلمر، س. ح. گونه شناسی خانه های سنتی شهرستان تالش (نمونه موردی: روستای خاله سرا 57). نشریه مسکن و محیط روستا. شماره 147. پاییز 1392.

فرشچی، ح. مقدمه ای بر مرمت و بهسازی ساختمان های مصلح بنایی. تهران. نشر فرشچی، 1388.

دانشنامه فرهنگی مازندران

شمس، م.، خداکرمی، م. بررسی معماری سنتی همساز با اقلیم سرد. نشریه آمایش محیط، شماره 10، ص 91 تا 114. 1389.

گرچی مهلبانی، ی.، دانشور، ک. تاثیر اقلیم بر شکلگیری عناصر معماری سنتی گیلان. صفحات 135-145. 1389.